

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

وحدتِ قلبی

از بد بترش توبه	این گفته چه زیباست که ، از خیر و شرش توبه
از بد بترش توبه	از سرد و هم از گرم و هم از خشک و ترش توبه
تا بی غل و بیغش	یارب ! تو بیامرز ، قدیمی کفن کش
از بد بترش توبه	از کندن بی بیل و کلنگ و تبرش توبه
از زنده چین را	زدیده همی برد ، گر از مرده کفن را
از بد بترش توبه	امروز ، ززدیدن خاک و اثرش توبه
از مفت گپ و باد	گفتند ، یکی جبهه ملی شده ایجاد
از بد بترش توبه	از رهبر بی عرضه و از کور و کرش توبه
از دشمن و بدبین	از قاتل و از دزد و ، هم از خائن و بی دین
از بد بترش توبه	از چرسی و تریاکی و قاچاقبرش توبه
از بزکش بدخوی	(گیلانی) و (گلبنه) و (سیاف) و (گلاب زوی)
از بد بترش توبه	(ربانی) و (خورجین) پُر از سیم و زرش) توبه
از (اتمر) بی ننگ	(قانونی) (قانون شکن) و (خرم) و (فرهنگ)
از بد بترش توبه	از (وردک) و (اسماعیل) و صدها نفرش توبه
از بی سر و سردار	از (شمس) و (خلیلی) و ، ز (مسعود) خطا کار
از بد بترش توبه	از پشت و چپ و راست و از پیش و سرش توبه
از دادفر ننگین	از آتش و از مجمر و اسپندی رنگین
از بد بترش توبه	از واژه بیمعنی و ، زیر و زبرش توبه
ژنرال جهیم است	از فیلک چوبیی که ، مارشال رجیم است
از بد بترش توبه	هردم ز (فهیم) و ز (قسیم) اشرش توبه

از نوکرِ دالخور	از طالبِ پشمینه و ، ملا عمرِ کور
از بد بترش توبه	از جمله تروریستِ خدا بیخبرش توبه
از مادرِ کیکا	از خیلِ سیه چرده و ، از غنڈل و جولا
از بد بترش توبه	قانغوزکِ پندیده و ، از گنڈ جرش توبه
همسایه گکِ ما	از اصغرِ نا اکبرِ بی وایه گکِ ما
از بد بترش توبه	شهرتِ طلبِ لاشه خورِ مفتخرش توبه
از چمچه و کاسه	از مجرمِ اصلی و ، ز داماد و نواسه
از بد بترش توبه	زان گوره خر و ، ماچه خر و ، کره خرش توبه
از گربه و از موش	از بلیر و ، پوتین و ، هم از کرزی و ، از بوش
از بد بترش توبه	از ایشپش و کیک و خسکِ بی پدرش توبه
رقاصه هر ساز	از ناخلفِ تفرقه اندازِ دغلباز
از بد بترش توبه	از مالش و از خارشِ ، زیرِ کمرش توبه
پُر شعبده باز است	این جبهه ملی که پر از سه پته باز است
از بد بترش توبه	از هر سرک و ، هر پچکِ بد لچرش توبه
شیطان و ملنگان	ای جبهه گرگان و شغالان و پلنگان
از بد بترش توبه	زین وحدتِ قلابی و ، از کس نخرش توبه
کیش همه جنگست	این جبهه نیرنگِ پُر از اهلِ تفنگست
از بد بترش توبه	پُر رنگ و جَفنگست و ، ز زنگِ خطرش توبه
احساسِ سَقَم کرد	« نعمت » قلمِ نقد ، بر آورد و رقم کرد
از بد بترش توبه	از واژه روشنگر و ، از پرده درش توبه
